

خبرنامه هفتگی

مدیریت تعارض منافع

شماره چهل و پنجم - ۲۵ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی
۱ خرداد ۱۴۰۰

بنام خداوند جان و آفریننده



خبرنامه هفتگی مدیریت تعارض منافع

شماره چهل و پنجم - ۲۵ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

مجموعه مطالعه و پایش تعارض منافع در ایران - ۴۵

مرکز توانمندی سازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

۱ خرداد ۱۴۰۰



فهرست مطالب

- درآمد: دام تعارض منافع در انتظار هزینه‌های انتخاباتی..... ۲
- بازار سرمایه محل تلاقی و تعارض منافع دولتمردان و بلوک‌های قدرت ۶
- ردپای تعارض منافع در بازار رمزارزها ۶
- رانت‌های خیرخواهانه ۷
- الزامات مدیریت تعارض منافع در آموزش و پرورش ۸
- افزایش جمعیت ۱۰۰ هزار نفری دانشجویان دکتری، مصداقی از تضاد منافع ۸
- لوايح تعارض منافع و مبارزه با فساد، موانع تولید را کم می‌کنند ۹
- تعارض منافع؛ ترمز توسعه در ایران ۹
- تعارض منافع بزرگ بین طبقه برنده آموزشی و جمعیت زیاد معلمان ۹
- خصولتی سازی و تضاد منافع، اقتصاد کشور را به ورطه نابودی برده ۱۰
- بروز نوعی تعارض منافع محتمل در کاندیداتوری ابراهیم رئیسی ۱۰
- مدیریت تضاد منافع دولت، گام اول بازگرداندن اعتماد به بازار سهام ۱۱
- تضاد منافع شرکت کوکاکولا در انتشار نتایج تحقیقات علم تغذیه ۱۱
- تحلیل فضای مجازی: تعارض منافع در انتخابات ۱۲

درآمد: دام تعارض منافع در انتظار هزینه‌های انتخاباتی

تعارض منافع در روند تبلیغات انتخاباتی نامزدها

افسانه شرکت

انتخابات یکی از اساسی‌ترین الزام‌ها و پیش‌شرط‌های مردم‌سالاری و مشروعیت هر نظامی است. امروزه در جهان هزینه‌های انتخابات سرسام‌آور شده است. با اوج‌گیری و افزایش بی‌رویه هزینه‌ها و مخارج انتخاباتی این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که این هزینه‌ها چگونه و از کجا تأمین می‌شوند؟ نفوذ پول در رقابت‌های سیاسی سلامت انتخابات را زیر سؤال برده است. هرچند این حق نامزدهاست تا خود و سیاست‌هایشان را به رأی‌دهندگان معرفی کنند و متقابلاً حق رأی‌دهندگان نیز هست تا با آگاهی به نامزدها رأی دهند و این مهم بدون تبلیغات امکان‌پذیر نیست؛ اما، در این مسیر باید مراقب موقعیت‌های تعارض منافع احتمالی که در کمین نامزدهاست نیز بود. تعارض منافی که در صورت عدم مدیریت و کنترل نهایتاً نه‌تنها کاندیدای منتخب را از حرکت به سوی نفع عمومی دور کرده که به فسادهای مالی نیز منجر خواهد شد.

انتخابات بارزترین شکل مشارکت افراد در عرصه سیاسی و بهترین شیوه برای دستیابی به قدرت در عرصه سیاسی است. یکی از فرایندها و مراحل مهم انتخابات که نقش بسزایی در نتیجه آن دارد مرحله تبلیغات است. پول از گذشته دور نقش مهمی در انتخابات داشته و امروزه این نقش پررنگ‌تر نیز شده است. پرواضح است که منابع مالی تبلیغات و هزینه‌هایی که در رقابت‌های انتخاباتی صرف می‌شود می‌تواند در نتیجه انتخابات تأثیرگذار باشد. چاپ بروشورها، اعلامیه‌های برگزاری مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی، اجاره اماکن جهت برپایی ستاد تبلیغاتی همه هزینه‌بر هستند. بنابراین بدیهی است که پول را نمی‌توان از فرایند سیاسی و انتخاباتی و هزینه‌های مربوط به کارزارهای انتخاباتی جدا کرد. تأمین هزینه‌های سرسام‌آور انتخابات می‌تواند منجر به شکل‌گیری بده-بستان‌هایی میان نامزدها، اعضای اصلی کمپین آن‌ها با اشخاصی که قدرت سیاسی داشته و یا نهادهای ثروتمند شود که کاندیدای انتخاباتی را در معرض تعارض منافع قرار دهد.

به طور کلی در همه جای دنیا کمپین‌های انتخاباتی بزرگ و پرهزینه شده‌اند، عموماً در کشورهای توسعه‌یافته سه منبع اصلی برای تأمین این هزینه‌ها پیش‌بینی شده است. اولین منبع حق عضویت است. هر فردی که بخواهد عضو حزب شود باید سالانه مبلغی به حساب حزب واریز نماید، اما برای جلب حداکثری عضو این حق عضویت‌ها عموماً مقادیری ناچیز بوده و عملاً به جایی نمی‌رسد. منبع دوم کمک‌های دولتی است. البته این منبع در هر کشوری بسته به شرایط دولت‌هایشان متفاوت است برای مثال در بریتانیا دولت به طور مستقیم کمک مالی مشخصی به احزاب می‌کند یا به طور غیرمستقیم فضاها را تبلیغاتی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. اما کمک‌های دولتی می‌تواند شائبه سوگیری دولت

به سمت گروه یا جریانی خاص را ایجاد کند. منبع سوم که از دو منبع دیگر مهمتر و قابل توجهتر است کمک‌هایی است که اشخاص حقیقی یا حقوقی به احزاب یا کاندیداها می‌کنند. در این حالت ممکن است بین سیاستمدار و حامی مالی وی مناسبات ناسالم شکل بگیرد یا افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی را به سوی سوءاستفاده از امکانات و منابع نهادهای عمومی سوق دهد. در واقع افراد خاص می‌توانند با در اختیار داشتن سرمایه‌های نامحدود، نهادهای قانون‌گذاری و حاکمیتی را در دست بگیرند. این شرایط نه تنها تعارض منافع بالقوه را دامن می‌زند که در نهایت به فساد اداری ختم خواهد شد.

در واقع اگر شفافیت مالی وجود نداشته باشد، به صورت بالقوه در فرایند انتخابات این ظرفیت وجود دارد که زدو بندهایی در پشت پرده بین کاندیداها و اسپانسرهای میلیاردری آنان صورت گیرد که نتیجه آن ورود پول‌های بی‌ضابطه با منابع نامعلوم در انتخابات است. کاندیداها می‌توانند با حمایت مالی افراد و کانون‌های قدرت و ثروت را دارند، قطعاً در صورت انتخاب شدن و امدمدار این افراد شده و در زمان قدرت باید جبران کنند. به احتمال زیاد چشم‌داشت‌هایی پشت پیشنهادات میلیاردری حامیان مالی وجود دارد. آن‌ها نیز تلاش دارند با حمایت مالی، از پیروزی کاندیدای مورد نظر به نفع خود بهره‌برداری کنند. لذا قطعاً چنین کاندیدایی نمی‌تواند بدون جهت‌گیری، تصمیم‌گیری‌های سیاستی‌ای در راستای نفع عموم مردم بگیرد. بنابراین شفافیت لازمه حیاتی برگزاری انتخاباتی منصفانه و دموکراتیک است.

قوانین انتخاباتی ایران در بعد نظارت قانونی بر مسائل مالی انتخابات در سه جنبه اصلی ضعف دارد: یک- ضعف در نظارت بر میزان هزینه‌های صرف شده برای تبلیغات، دو- ضعف در نظارت بر نحوه هزینه‌کرد منابع مالی نامزدها و سه- ضعف در نظارت بر منبع تأمین این هزینه‌ها. کاندیداها هیچ الزامی در خصوص ارائه اطلاعات مالی انتخابات‌شان ندارند، بعد از انتخابات نیز هیچ نظارت قضایی یا سیاسی بر آن صورت نمی‌گیرد و اغلب مدعی هستند که از منابع شخصی هزینه‌هایشان را تأمین کرده‌اند یا حامیان آن‌ها تأمین این هزینه‌ها را متقبل شده‌اند. همانطور که گفتیم اگر منابع این کمک‌ها مشخص نباشد منجر به ویژه‌خواری، اعمال نفوذهای ناروای تأمین‌کنندگان هزینه‌های انتخاباتی در امور کاندیدای پیروز خواهند شد یا ممکن است هزینه‌هایی که برای کاندیداها صرف می‌شود از حساب دولتی زیردستانشان باشد^۱. در این مرحله است که کاندیدا در دام تعارض منافع مالی افتاده و باید بین تأمین بودجه تبلیغات و استقلال خود در آینده تصمیم بگیرد. البته گاهی این موضوع فراتر از درخواست‌ها و مطالبات اسپانسرها از کاندیدای پیروز انتخابات رفته و این افراد در تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری نیز دخالت کرده و استقلال تصمیم‌گیری کاندیدای آتی را سلب خواهند کرد.


۱. شجاع‌وند، احمد و صابرمهانی، فردوس (۱۳۹۴)، "درآمدی مقایسه‌ای بر منابع مالی تبلیغات انتخاباتی (مطالعه موردی نظام‌های انتخاباتی ایران، فرانسه، روسیه و آمریکا)"، فصلنامه پژوهش‌های حقوق عمومی، سال ۱۷، شماره ۴۹، صص: ۹ تا ۳۵

راهکارهای مختلفی برای مدیریت چنین تعارض منافع پیشنهاد می‌شود که اصلی‌ترین آن شفافیت است. شفافیت در افشای منابع مالی کانیدها قبل از شروع کارزار تبلیغات و نیز شفافیت در تأمین مالی هزینه‌های انتخاباتی. البته باید گفت که از این منظر مجلس شورای اسلامی (دوره دهم) قانونی به نام «شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی» را در بهمن ماه ۱۳۹۸ به تصویب رسانده است. طبق این قانون نامزدهای انتخابات مجلس موظف شدند تمامی مصارف و مخارج مرتبط با فعالیت‌های انتخاباتی و هزینه‌های تبلیغاتی خود و منابع مالی تأمین این هزینه‌ها و میزان کمک‌های مالی نقدی و غیرنقدی دریافتی را به نحو شفاف در سامانه مالی انتخابات ثبت نمایند. قانون فوق قدمی موثر در راستای شفاف‌سازی است که باید به سایر مراحل انتخاباتی در کشور مانند انتخابات ریاست جمهوری، شورای شهر و مجلس خبرگان نیز تسری یابد. هرچند شواهدی از اجرای دقیق و غیرصوری این قانون در انتخابات مجلس یازدهم گزارش نشده است.

راهکار دیگری که در این یادداشت می‌خواهیم بدان تأکید کنیم معیاری است که سازمان شفافیت بین‌الملل در سال ۲۰۰۳ در ارتباط با تأمین مالی و حمایت‌های سیاسی ارائه کرده است و آن «جلوگیری از اعمال نفوذ و تعارض منافع» است.^۱ در این راستا الزام داوطلبان انتخاباتی به امضای تعهدنامه جلوگیری از تعارض منافع، کناره‌گیری آن‌ها از پست‌های حاکمیتی‌شان قبل از شروع انتخابات (همانند ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی)، تعیین سقف هزینه‌های انتخاباتی، ایجاد صندوق یا حساب بانکی انتخاباتی مواردی است که می‌تواند از تعارض منافع احتمالی نامزدها جلوگیری کند.

نکته آخر اینکه تأمین هزینه‌های تبلیغاتی نامزدها به دور از هرگونه تعارض منافع نقش مهمی در سلامت نظام انتخابات و همچنین جلوگیری از فسادهای مالی و سیاسی‌ای که به دنبال تعارض منافع ایجاد خواهند شد، دارد. در این میان صرف قانون‌گذاری مشکلی حل نخواهد شد، ایجاد نظارت، حسابرسی و ضمانت اجرا لازمه موفقیت هر قانونی است.

گزیده اخبار، تحلیل‌ها و گزارش‌های هفته گذشته در حوزه تعارض منافع به این شرح است:

 سید علیرضا آوایی، وزیر دادگستری، اظهار داشت امیدواریم با توجه به اینکه لوایح تعارض منافع و مبارزه با فساد به مجلس شورای اسلامی رفته‌اند، نمایندگان همکاری لازم را برای تصویب آنها داشته باشند، چرا که تصویب این لوایح موجب تسریع در برداشته شدن موانع تولید است.



حسن همتی، نماینده شاهین دژ و تکاب در مجلس یازدهم، اظهار داشته خصوصیتی سازی و تضاد منافع، اقتصاد کشور را به ورطه نابودی برده است و مدیران دولتی و نمایندگان مجلس نباید در هیئت مدیره شرکت ها و مسئولیت های دیگری حضور داشته و مستقیم و غیر مستقیم ارتزاق داشته باشند.

روزنامه اعتماد با اشاره به کاندیداتوری رئیس قوه قضاییه و نقش این قوه در انتخابات حقوقدانان شورای نگهبان و رسیدگی به شکایت های انتخاباتی، احتمال بروز تضاد منافع در مورد کاندیداتوری ایشان را مورد بررسی قرار داده است.

اقتصاد نیوز طی گزارشی با اشاره به چالش های بازار سرمایه، سرک کشیدن دولت و دخالت دولت در بازار بورس را از چالش های جدی این بازار و نمودی از تضاد منافع قلمداد کرده و تاکید کرده لازم است دولت اجازه دهد بورس در مقام یک بازار هوشمند خود به جذب سرمایه اقدام کند.

مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی - ۱ خرداد ۱۴۰۰

بازار سرمایه محل تلاقی و تعارض منافع دولتمردان و بلوک‌های قدرت

بهنام شاهنگیان (کارشناس بازار سرمایه) - ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در بازار سرمایه



نگاهی کوتاه به شاخص‌های بازار سرمایه در سال گذشته، این پیام را به سهام‌داران خرد و کلان داد که اولاً بورس به دلیل گردش مالی، حوزه اختصاصی صاحبان قدرت بوده و جناح‌های سیاسی در آن نقش مهمی دارند، دوم آنکه بازار سرمایه به جهت آنکه محل تلاقی و تعارض منافع دولتمردان و بلوک‌های قدرت و ثروت است، همواره با تعارض منافع مواجه می‌باشد. در واقع اگر امروز بورس ایران دستخوش سیاست‌آزمون و خطا شده است همچنین برخی تصمیم‌گیری‌های خلق الساعه و عجولانه بر آن سایه انداخته است، باید بپذیریم که سهم زیادی از شکنندگی بورس در سال گذشته، به تعارض منافع بازمی‌گردد.

✉ خبرگزاری ایمن

ردپای تعارض منافع در بازار رمزارزها

اقتصاد ۲۴-۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه پولی و مالی



اخیراً ایلان ماسک، ثروتمند معروف، نظر خود را درباره دوج کوین بیان کرد و گفت دوج کوین آینده ارز است. دوج کوین یک ابزار مالی غیرقابل توقف است که بر جهان سیطره پیدا خواهد کرد. دیدگاه‌های ماسک بیش از دیگران بر قیمت بیت کوین و دوج کوین اثر می‌گذارد. هر روز تعداد زیادی از مدیران شرکت‌های فعال در حوزه ارزهای دیجیتال، سرمایه‌گذاران بزرگ در بورس و نیز اقتصاددانان درباره فعالیت این بازار اظهارنظر می‌کنند و هیجان‌ها درباره این بازار ادامه دارد.

به دلیل آنکه شرکت‌های فعال در این صنعت در حال استخدام مقامات پیشین دولتی هستند، ادعاهایی درباره تضاد منافع مطرح شده است. جی کلیتون که تا ماه دسامبر رئیس کمیسیون اوراق بهادار بود اکنون مشاور صندوق سرمایه‌گذاری وان ریور دیجیتال است که صدها میلیون دلار برای مشتری‌ها در بیت کوین و اتریوم سرمایه‌گذاری کرده است. کلیتون از اظهارنظر در این زمینه اجتناب کرد. یک روز قبل از آنکه او از ریاست کمیسیون اوراق بهادار استعفا دهد این نهاد از شرکت ریپل لیز شکایت کرد و جالب است بدانید این شرکت رقیب بیت کوین است. کمیسیون اوراق بهادار ادعا کرده بود ریپل لیز به شکل غیرقانونی ۱/۳ میلیارد دلار از سرمایه‌گذاران گرفته است.

از سوی دیگر ماه جاری میلادی شرکت بایننس یو اس که مدیریت یک صرافی ارز دیجیتال را برعهده دارد، برایان بروکس را به عنوان مدیرعامل انتخاب کرد. او تا ماه ژانویه رئیس «دفتر حسابرسی ارز» بود. این دفتر به تدوین مقررات برای بانک‌ها کمک می‌کند. یک روز قبل از آنکه او از سمت خود کناره‌گیری کند دفتر یاد شده به بانک دیجیتالی انکورپس مجوز داد و به این ترتیب بانک یاد شده به نخستین بانک دیجیتالی آمریکا تبدیل شد. سخنگوی بروکس گفته است: «شرکت بایننس یو اس یک بانک نیست، بنابراین نمی‌توان مساله تضاد منافع را مطرح کرد.»

✉ اقتصاد ۲۴

رانت‌های خیر خواهانه

فتح الله آملی - ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

اطلاعات

◀ تعارض منافع در حوزه‌ی بنیادها و نهادهای

وقتی از تعارض منافع صحبت می‌شود اکثراً بر این گزاره متکی است یا این مطلب را به ذهن می‌آورد که عده‌ای چون خودشان در مراکز مهم تصمیم‌گیری هستند قاعدتاً تصمیماتی نمی‌گیرند که منافع فردی خودشان به خطر بیفتد. مثلاً قوانین مالیاتی را طوری می‌نویسند که کمتر شامل حال خودشان شود و... از این دست مثال‌ها فراوان می‌توان زد که همگی در مسیر عدالت و توسعه و پیشرفت کشور و تقویت اعتماد عمومی، موانع تأثیرگذاری به حساب می‌آیند اما مشکل کشور و اقتصاد کشور فقط چنین تعارض منافع فردی یا حداکثر گروهی یا صنفی نیست؛ بلکه لایه‌های دیگری دارد که اگر مهم‌تر نباشد قطعاً کمتر نیست. به چند مثال ساده توجه کنید:

بسیاری از شرکت‌های پتروشیمی دولتی نیستند بلکه متعلق به صندوق‌های بازنشستگی یا بنیادهای تعاون و شرکت‌هایی از این دست هستند که گرچه ظاهری خصوصی پیدا کرده‌اند اما در حقیقت دولتی و وابسته به دولت یا حاکمیت به حساب می‌آیند. سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی کشوری و لشکری، بنیاد مستضعفان، ستاد اجرایی، تعاونی‌های نیروهای مسلح یا شرکت‌های وابسته به آنها و نیز بانک‌های دولتی و نیمه دولتی همه و همه دارای صدها شرکت و کارخانه هستند که در بحث تعارض منافع به نوعی با سرنوشت بخش کثیری از جامعه گره خورده‌اند و به همین خاطر در مراکز تصمیم‌گیری و قدرت، دفاع از منافع آنان قبح و عیبی به حساب نمی‌آید بلکه حسن هم خوانده می‌شود. یادم می‌آید وقتی بحث قیمت خوراک پتروشیمی و نرخ تسعیر ارز برای آن پیش آمد، یکی از مدیران عامل همین دست شرکت‌ها، بسیار صریح و روشن گفته بود: این چه بحثی است که می‌کنید؟ کدام سوءاستفاده؟ سهامداران این شرکت جمع کثیری از بازنشستگان محروم... هستند که حالا اگر سود بیشتری هم نصیب شرکت شود به جیب مرفهین بی‌درد که نمی‌رود... ظاهر این سخن البته نکته انحرافی و بدی به دنبال ندارد. اگر پارتی بازی بکنیم یا تخفیفی بدهیم و یا سودی به آنان برسانیم راه دوری نمی‌رود. به زبان ساده این تعارض منافع هم اگر باشد به دنبال منفعت برای بخشی از همین مردم است... اما باطن این سخن یکی از مهم‌ترین موانع رشد تولید و ارتقای کیفیت و عدم تقویت بخش خصوصی واقعی است. زیرا حیات و استمرار فعالیت یک شرکت را به آمپول‌های تقویتی موقتی پیوند می‌زند که دارای اصالت نیستند. اینکه از فلان مجموعه مالیات نگیریم یا وام مفت در اختیارش قرار دهیم یا از بودجه عمومی به او کمک کنیم چون سهامش مال فلان صندوق بازنشستگی یا دولت یا بنیاد مستضعفان یا... است و توجه کنیم که از خودمان است و راه دوری که نمی‌رود و... بی‌تردید پای در کژ راهه گذاشته‌ایم. در یک کلام وجود چنین تعارض منافع‌ای ظاهراً خیرخواهانه‌ای موجبات تبعیض‌ها و رانت‌های غیرمولد و غیر اقتصادی و غیر کارشناسی عدیده‌ای را پدید آورده و می‌آورد که همین حال یکی از بزرگ‌ترین موانع حضور موثر بخش خصوصی و رشد واقعی آن در اقتصاد ایران و چشمداشت اکثریت این ملت به بودجه و کمک اغلب بخور نمیر دولتی و وابستگی بودجه همین دولت به نفت و سرمایه‌های نفتی و در یک کلام گرفتار شدن اقتصاد مملکت در چنبره دولتی بودن و دولتی ماندن است. همین هفته وقتی اعلام شد که مالکیت شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به دولت برگشت، کارگران شیرینی پخش کردند و جشن گرفتند که از این پس دولتی هستند و حقوقشان عقب نمی‌افتد... اما مهمتر از بازگشایی یک کارخانه، استمرار و دوام حیات آن در دراز مدت است که به اصلاحات ساختاری دیگری نیازمند است که آنها را فرو گذاشته‌ایم و گرنه بازگشت مالکیت یک مجموعه خصوصی شده به دولت، جشن که ندارد هیچ بلکه غصه هم دارد... نکند تازگی‌ها دولت به تاجر خوب بدل شده است؟

الزامات مدیریت تعارض منافع در آموزش و پرورش

علی پور سلیمان (مدیر کانال صدای معلم) - ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰
 ◀ تعارض منافع در حوزه‌ی آموزش عمومی



اجرای بخشنامه وزیر آموزش و پرورش نیاز به الزامات یا پیش شرط‌هایی دارد. اولین پیش نیاز اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است. من به عنوان یک معلم و فعال رسانه‌ای می‌توانم با درصد اطمینان بالایی بگویم خیر اجرا نمی‌شود. پیش شرط مهم دوم، سلامت و به روز بودن نهادهای بازرسی و کنترل در آموزش و پرورش است. متأسفانه این نهادهای بازرسی و کنترل در آموزش و پرورش آن جور که باید و شاید به وظایف حرفه‌ای خودشان عمل نمی‌کنند و به نظر بنده مهمترین ایراد در این زمینه فقدان استقلال حرفه‌ای برای این گونه نهادها است. اگر فرض کنیم آن الزامات و پیش شرط‌هایی که مطرح کردیم در شکل عالی خود اجرایی شود، مرحله بعد اجرای این قانون است. به نظر من مهمترین چالش ضعف مجریان قانون است. برای مثال آقای زینی وند در نشست رسانه‌ای خود در خصوص بحث مدارس غیر انتفاعی و اشتغال هم زمان می‌گوید که ما هیچ آماری از این گونه مدیران نداریم. مگر می‌شود یک رئیس سازمان چنین آماری نداشته باشد یا حتی به نظرم اگر آماری هم وجود داشته باشد یک رودربایستی برای تعمیم و اجرای قانون وجود دارد، بنابراین ضعف در اینجا کاملاً مشهود و نمایان است. درست است خود آقای حاجی میرزایی این بخشنامه را ابلاغ کرده که به نظر من بخشنامه خوبی هم هست اما خودش قاطعیت و صراحت کامل برای اجرای آن را دارد؟

آقای حاجی میرزایی به عنوان وزیر آموزش و پرورش باید بیشتر در این زمینه با رسانه‌های مستقل تعامل داشته باشد تا با افکار عمومی ارتباط داشته باشد. بیشتر حوزه عمومی آموزش و پرورش را به بازی بگیرد. با نخبگان و افرادی که علاقه مند به مسائل آموزشی و آموزش و پرورش هستند تعامل کرده و استفاده ببرد.

✉ مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه

افزایش جمعیت ۱۰۰ هزار نفری دانشجویان دکتری، مصداقی از تضاد منافع

سینا ذوالفقار گردشی (دانشجوی روان شناسی) - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۰
 ◀ تعارض منافع در حوزه‌ی آموزش عالی



موتور تولید دکتر در کشورمان با سرعتی زیاد در حال تولید است، تا جایی که می‌شود دریافت طی چند سال آینده با جمعیتی عظیمی از فارغ‌التحصیلان بیکار دکتری مواجه میشویم. سیستمی که در آن مقطع دکتری به ماشین آموزش عالی افزوده شده تا محصولاتی با کیفیت بالاتر تحویل دهد. در مقطع دکتری، ۱۰۰ هزار دانشجوی دکتری مشغول به تحصیل هستند که از این تعداد چهار هزار نفر جذب شاغل شده‌اند. منظره‌ای که تضاد منافع جامعه است. برای سال ۱۴۰۰ بیش از یکصد هزار فارغ‌التحصیل دکتری بیکار خواهیم داشت، چراکه سالانه حدود ۲۰ هزار دکتر بیکار به جامعه تحویل داده میشود که هم اکنون همین مقدار دکتر هم کافی است.

این مثال، نمونه‌ای بارز از تعارضات در منافع هستند که روزانه بارها شاهد آن‌ها هستیم. شکل‌گیری تعارض در منافع در تصمیم‌گیری‌های اجتماع، باعث می‌شود که در طی یک زمان مشخص شده و شرایط همه جامعه را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. تعارض در منافع باعث ایجاد اختلال فکری و فساد تصمیم‌گیری می‌شود.

✉ خبرگزاری دانشجو



لوايح تعارض منافع و مبارزه با فساد، موانع توليد را كم مي‌كنند

سيد عليرضا آوايي (وزير دادگستري) - ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰
◀ کلیات تعارض منافع



امیدواریم با توجه به اینکه لوايح تعارض منافع و مبارزه با فساد به مجلس شورای اسلامی رفته‌اند، نمایندگان همکاری لازم را برای تصویب آنها داشته باشند. تصویب این لوايح را موجب تسريع در برداشته شدن موانع توليد است و این لوايح نقش اساسی در اقتصاد، حقوق شهروندی و مبارزه با فساد دارند و کمک خوبی به توليد خواهند بود.
✍ خبرگزاری ایرنا

تعارض منافع؛ ترمز توسعه در ايران

علي مروی (مدیر اندیشکده کسب و کار شریف) - ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰
◀ کلیات تعارض منافع



ترمز اصلی توسعه در کشور تعارضات منافع است نه جهل دانشی سیاست‌گذار. مطالبه‌گری اجتماعی عمومی، این ترمز را خلاص خواهد کرد. مخاطب اصلی بنای ایران عموم مردم است. گسترش فقر خشن افراد را بدان وا می‌دارد تا برای رفع نیازهای اولیه به هر کاری دست بزنند و این یعنی تهدید امنیت اجتماعی کشور؛ به همین دلیل فقرزدایی غیر تورمی باید جز اولویت‌های دولت بعدی باشد.

✍ اقتصاد آنلاین

تعارض منافع بزرگ بين طبقه برنده آموزشی و جمعیت زياد معلمان

مجيد حسینی (استاد دانشگاه تهران) - ۱ خرداد ۱۴۰۰
◀ تعارض منافع در حوزه آموزشی عمومی



جلسه‌ای با یکی از معاونان آموزش و پرورش داشتم که می‌گفت بیشترین حجم افزایش حقوق کارمندان دولت برای معلمان است، به او گفتم شما معاون وزیر آموزش و پرورش ترکیه هستید یا استرالیا؛ حقوق معلم ۳ میلیون تومان بوده و به ۴ میلیون تومان افزایش داده‌اید، عده‌ای از معلمان بیمه مناسبی ندارند، ۱۸ هزار کلاس درس در بلوچستان ندارید و اصلاً خیالتان نیست؛ با مدیر آموزش و پرورش بلوچستان حرف زدیم که چرا کلاس درس ندارید، که گفت خیر پیدا نکردیم، انگار وظیفه دولت نیست آنجا کلاس درست بسازد.

درون آموزش و پرورش فساد نیست بلکه تعارض منافع وجود دارد و طبقه برنده قانونا بر آن مسلط است چندین قانون برای مدارس غیردولتی مصوب کردند که علیه قانون اساسی است؛ اولین بار که قانون مدارس غیرانتفاعی را به مجلس بردند شورای نگهبان ۱۴ اشکال قانون اساسی گرفت که اگر آقای هاشمی رفسنجانی نبود اصلا تصویب نمی‌شد.

دو سال قبل بودجه آموزش و پرورش حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان بود و دقیقاً باند مسلط ۵۰ هزار میلیارد تومان از آموزش و پرورش درآمد داشت، ۲۰۰ میلیارد تومان برای صندوق حمایت از مدارس غیر دولتی از کجا در آمد؟ آیا مدیرکلی می‌شناسید که در طرح خرید خدمات آموزشی مشارکت نداشته باشد؟ تعارض منافع بزرگ بین طبقه برنده آموزشی و جمعیت زیاد معلمان وجود دارد.

✍ خبرگزاری تسنیم

خصولتی سازی و تضاد منافع، اقتصاد کشور را به ورطه نابودی برده

حسن همتی (نماینده شاهین دژ و تکاب در مجلس یازدهم) - ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ کلیات تعارض منافع



تمام امکانات به شهر های بزرگ اختصاص داده شده و شهر های کوچک و روستاها فراموش شدند؛ فرزندان ناخلف برخی از مدیران چند تابعیتی با ثروت های باد آورده و رانتی در خارج مشغول عیش و نوش هستند. خصولتی سازی و تضاد منافع، اقتصاد کشور را به ورطه نابودی برده است؛ مدیران دولتی و نمایندگان مجلس نباید در هیئت مدیره شرکت ها و مسئولیت های دیگری حضور داشته و مستقیم و غیر مستقیم ارتزاق داشته باشند.

✉ خبرگزاری خانه ملت

بروز نوعی تعارض منافع محتمل در کاندیداتوری ابراهیم رئیسی

روزنامه اعتماد - ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ کلیات تعارض منافع



موضوع کاندیداتوری سید ابراهیم رئیسی به عنوان رییس قوه قضاییه محل بحث است. بر اساس قانون البته هیچ منعی برای کاندیداتوری او در انتخابات ریاست جمهوری نیست اما به هر حال با ثبت نام او در این انتخابات، بروز نوعی تعارض منافع محتمل یا حتی ناگزیر است، چرا که او رییس قوه قضاییه و رییس نهادی است که باید به شکایات انتخاباتی رسیدگی کند. آن هم در حالی که او پیش از این در قامت ریاست قوه قضاییه به موجب قانون مسوول معرفی حقوقدانان شورای نگهبان به مجلس بوده و در حال حاضر، ۳ نفر از حقوقدانان این شورا، از جمله آن ۵ حقوقدانی هستند که به عنوان منتخبان رئیسی و از جانب او به مجلس دهم معرفی و با نوعی رای اعتماد مجلس، در سمت حقوقدان شورای نگهبان فعالیت می کنند. مواردی که بر ابهامات افزوده و البته تاکنون نه شورای نگهبان و نه رئیسی به آن واکنشی نشان نداده اند.

درباره برخی نامزدهای دیگر هم ابهاماتی وجود دارد. از جمله درباره علی لاریجانی که برادر او صادق آملی لاریجانی، یکی از ۶ فقیه شورای نگهبان است و این نکته برای برخی این شبهه را ایجاد کرده که علی لاریجانی حداقل پیشاپیش، یکی از ۱۲ رای را در جیب دارد.

اما این تنها ستاد لاریجانی نیز که به دلیل نسبت خویشاوندی با یکی از ناظران انتخابات، با پرسش افکار عمومی روبه رو است. به خصوص از نیمروزی که گذشت و سید احسان قاضی زاده هاشمی، نماینده با رای اکثریت نمایندگان اصولگرای حاضر در صحن علنی مجلس، به عنوان نماینده شورای نظارت بر صداوسیما در کمیسیون نظارت بر تبلیغات انتخابات سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری انتخاب شد. حال آنکه فارغ از گرایش جناحی آشکار او به اصولگرایان، برادر بزرگ ترش امیرحسین قاضی زاده هاشمی، نایب رییس نخست مجلس و البته یکی از کاندیداهای نزدیک به جبهه پایداری در انتخابات ریاست جمهوری است.

✉ اعتماد



مدیریت تضاد منافع دولت، گام اول بازگرداندن اعتماد به بازار سهام



اقتصاد نیوز - ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در بازار سرمایه

بازار سهام در حالی اسیر صف های فروش است که ناظران در یک فرضیه احتمالی هفته بعد را متأثر از مذاکرات وین و ورود نقدینگی جدید، متفاوت ارزیابی میکنند. از این منظر، بازار نسبت به گزارش عملکرد مثبت شرکت ها کم واکنشی یا بی واکنش نشان میدهد.

چالش های بازار سرمایه را نمیتوان تنها در یک مسئله یا موضوع خاصی محدود کرد، بلکه چالش ها تنیده در بازار و در دو بعد بیرونی و درونی بازار قابل بررسی و واکاوی هستند. مسئله اصلی برای سیاست گذار در شرایط کنونی برای خروج از این وضعیت، باید اولویت بندی برای رفع چالش ها باشد.

از دید اقتصاددانان نخستین اولویت سیاست گذار باید بازگرداندن اعتماد به بازار با بازگشت به اصول بنیادی اقتصادی باشد؛ بدین معنا که دولت بدور از حمایت و دخالت تنها به تنظیم گیری بپردازد و با کسب تجربه از اشتباهات قبل، اجازه دهد بورس در مقام یک بازار هوشمند خود به جذب سرمایه اقدام کند. این نخستین گام بنیادی برای رهایی از وضعیت کنونی بازار است. قطعاً این مسیر سخت ترین و چالش برانگیزترین مسیر است، چرا که دولت عادت کرده همواره در بازارها سرک بکشد و دخالت کند و حالا قطعاً ترک عادت بسیار سخت و با وجود اصل تضاد منافع، ترک این رفتار سخت می نماید. حل این چالش اساسی ترین مسئله است.

🔗 اقتصادنیوز

تضاد منافع شرکت کوکاکولا در انتشار نتایج تحقیقات علم تغذیه



ژورنال تغذیه - ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۰

◀ تعارض منافع در حوزه بازرگانی و کسب و کارها

تغذیه علمی در حال تکامل است. در حالی که قرن ها مواد غذایی و تغذیه مورد مطالعه قرار گرفته است، علوم تغذیه مدرن نسبتاً جدید است. با این حال، یک مطالعه جدید کشف هشدار دهنده بین صنعت غذا و نقش آن در علم تغذیه و شرکت محبوب سودا Coca-Cola یکی از مارک های مقصر است.

تحقیقات جدید با جزئیات در مجله PLOS ONE دریافت که ۴/۱۳٪ از ۱۴۶۱ تحقیق منتشر شده در ۱۰ ژورنال برتر تغذیه در سال ۲۰۱۸ در ارتباط با صنایع غذایی بوده است. این تضاد منافع است، زیرا این نوع مطالعات منجر به نتیجه ای به نفع آن تجارت مواد غذایی می شود، که به طور بالقوه می تواند شما را به عنوان مصرف کننده را همراه کند.

🔗 ژورنال تغذیه

تحلیل فضای مجازی: تعارض منافع در انتخابات دغدغه‌های جدید برای سلامت انتخابات

محمد عادل

در هفته گذشته و طی روزهای یکشنبه بیست و سوم تا شنبه بیست و نهم اردیبهشت‌ماه، ۱۳۳ توییت در توییتر و ۷۲ مطلب در تلگرام منتشر شده که به مسئله تعارض منافع پرداخته بودند. با نزدیک شدن به انتخابات، کاربران در فضای مجازی نیز بیش‌تر به آن توجه نشان داده و در این هفته مصادیق تعارض منافع در فرایند تأیید صلاحیت داوطلبان را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ هرچند بررسی فضای مجازی نشان می‌دهد که این اظهارات نه به ابتکار مردم عادی که با اظهارنظر فعالان سیاسی که به‌صورت رسمی در احزاب فعالیت دارند، شروع شده است. یکی دیگر از موضوعاتی که نسبت به آن واکنش‌های بسیاری به‌خصوص در توییتر نشان داده شد، فعالیت‌های آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، در فضای مجازی و هواداری وی از یکی از تیم‌های فوتبال پایتخت بود که واکنش منفی کاربران را در پی داشت.

لزوم جلوگیری از تعارض منافع در انتخابات فارغ از تعلقات سیاسی

با نزدیک شدن به ایام انتخابات، اظهارنظرها پیرامون آن و افراد داوطلب ریاست‌جمهوری نیز شدت یافته است و در فضای مجازی افراد با دیدگاه‌های مختلف به بحث از [تعارض منافع در جریان انتخابات](#) پرداخته‌اند. در این بین بیش‌ترین واکنش‌ها به سازوکار شورای نگهبان و احتمال بروز تعارض منافع در فرایند تأیید صلاحیت داوطلبان و همچنین بحث نظارت نمایندگان قوه قضاییه بر تخلفات انتخاباتی بوده است. نقطه آغاز بحث امکان [تعارض منافع](#) در جریان نظارت بر انتخابات را باید اظهارات آذر منصوری، سخنگوی جبهه اصلاحات ایران، دانست که نسبت به تعارض منافع در رقابت‌های انتخاباتی هشدار داد و گفت: «طبق قانون منعی برای کاندیداتوری رئیس قوه قضاییه در انتخابات ریاست‌جمهوری وجود ندارد؛ اما در عمل و به‌ویژه با گرم شدن فضای رقابت‌های انتخاباتی نه‌تنها مصداق عینی تعارض منافع است بلکه از قضا هم نقض عدالت قضایی و هم نقض حداقل‌های رقابت عادلانه در انتخابات است». پس از آن بود که رحمت‌الله بیگدلی، عضو شورای مرکزی حزب جمهوری‌تاریک اسلامی، در تویییت با استناد به قانون اساسی و خطاب به رئیس‌جمهور نوشت: «آقای روحانی، نظر به اصول ۱۱۳ و ۱۲۱ قانون اساسی و مسئولیت شما در اجرا و پاسداری از قانون اساسی بر شما شرعاً واجب است که فوراً خواستار استعفای آقای رئیسی از ریاست قوه قضاییه شوید؛ زیرا نامزدی ایشان در انتخابات ریاست‌جمهوری موجب نقض استقلال قوه قضاییه و بروز شائبه تعارض منافع است».

دلیلی که این مخالفت‌ها در مورد هم‌زمانی کاندیداتوری آقای رئیسی و ریاست قوه قضاییه بر آن تأکید داشتند این بود که اگرچه طبق قانون نظارت بر انتخابات ریاست‌جمهوری بر عهده شورای نگهبان است، اما بخش مهمی از قانون

انتخابات که تضمین کننده سلامت روند انتخابات است مواد مربوط به جرائم انتخاباتی و ترتیبات رسیدگی به این جرائم در قوه قضاییه است. به همین دلیل در صورت وقوع جرائم انتخاباتی توسط نامزد ریاست جمهوری (یا ستاد انتخاباتی و هواداران نامزد) که هم‌زمان عهده‌دار ریاست قوه قضاییه هم است، رسیدگی و دادرسی بی‌طرفانه محل تردید است که این امر می‌تواند نقض استقلال قوه قضاییه قلمداد شود. از سوی دیگر و با توجه به اینکه بر اساس قانون انتخابات، مقامات قوه قضاییه از جمله دادستان کل کشور در کمیسیون بررسی تبلیغات ریاست جمهوری عضویت و مسئولیت دارد، شائبه تعارض منافع در صورت تداوم مسئولیت ریاست قوه قضاییه با نامزدی انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد.

در فضای توییتر و در میان کاربران نیز بسیاری با چنین اظهاراتی پیرامون امکان تعارض منافع در فرایند نظارت بر انتخابات همراهی کردند چنانچه کاربری می‌نویسد:

«آقای رئیسی با توجه به عدم استعفا شما از قوه قضاییه چه تضمینی وجود دارد سازمان تحت امرتان با منتقدین شما در بازه انتخابات و پس از آن برخورد‌های قضایی نکند؟ آیا این تعارض منافع نیست؟».

اما در دیگر سو برخی کاربران، با ترجیح علائق سیاسی خود بر جلوگیری از تعارض منافع، به مقابله با این اظهارات پرداخته و استدلال‌هایی را مطرح کردند که بیش‌تر نشان‌دهنده ناآگاهی از موقعیت‌های تعارض منافع بود چنانچه کاربری با نام حاج کریستین می‌نویسد:

«اینکه وزارت کشور برگزارکننده انتخابات است و معاون اول رئیس‌جمهور هم کاندیدا هستند، تعارض منافع وجود ندارد؟».

چنین اظهاراتی نشان می‌دهد که مطرح کردن موضوعی مانند تعارض منافع در زمان انتخابات می‌تواند مانند شمشیری دو لبه عمل کند؛ از یک‌سو باعث دامن زدن به بحث تعارض منافع شده و جامعه را نسبت به آن حساس می‌کند، اما در سوی دیگر ممکن است این بحث قربانی دعوای و تعلقات خاطر سیاسی افراد شود که بحث اصلی را به حاشیه برده و یا از اساس فهمی اشتباه از آن را رقم زنند.

اما این فقط رئیس قوه قضاییه نبود که کاربران به آن پرداختند چنانچه دیگر داوطلبان نیز متهم به امکان نفع‌بری از موقعیت‌های تعارض منافع در این فرایند شدند. این دسته از کاربران در مورد علی لاریجانی که یکی دیگر از داوطلبان است، نکاتی را مطرح کرده‌اند که مستقیماً به سازوکار شورای نگهبان مربوط می‌شود. از آنجاکه آیت‌الله آملی لاریجانی، یکی از فقهای شورای نگهبان است بسیاری از کاربران چنین وضعیتی را ناعادلانه و حاوی تعارض منافع دانسته‌اند چراکه وی قرار است در مورد صلاحیت برادر خود نظر دهد. میلاد گودرزی در [کانال تلگرام مکتوبات](#) می‌نویسد:

«در ماجرای صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری که ناظر به معیارهایی کیفی، کلی و گنگ است و در نتیجه قصه احراز هم به شدت متأثر از سلیقه و عقیده و فهم احرازکننده می‌شود، نگرانی بیشتر است. با توجه به این دغدغه و

چندین و چند دغدغه مشابه دیگه که در مورد فرآیند احراز صلاحیت‌ها در شورای نگهبان وجود دارد، باید فکری اساسی برای آینده و چاره‌ای عقلانی برای این انتخابات اندیشید».

البته گودرزی که این ایراد را به شورای نگهبان وارد دانسته است خود نیز راه‌حلی برای آن پیشنهاد می‌دهد:

«طبق اصول شفافیت و مدیریت تعارض منافع، آقای آملی لاریجانی در جلسه تصمیم‌گیری شورای نگهبان در مورد صلاحیت آقای علی لاریجانی، باید جلسه رو ترک کنند و حق اظهارنظر و رأی نداشته باشند».

آیا هواداری وزیر نشان‌دهنده تعارض منافع است؟

در هفته گذشته انتشار چند استوری در اینستاگرام از سوی آذری جهرمی، وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات، نیز خبرساز شد و مورد انتقاد کاربران فضای مجازی قرار گرفت.



در پاسخ به این حرکت، [کانال هواداری استقلال](#) خطاب به وی نوشت: «آقای آذری جهرمی، شما به یک دلیل ساده نباید سراغ کری‌خوانی در شبکه‌های اجتماعی بروید. استقلال و پرسپولیس متعلق به دولت است. از سال ۱۳۹۴ وزارتخانه شما مستقیم و غیرمستقیم از طریق شرکت‌های زیرمجموعه، اپراتورها و سرویس‌های پیامکی در امور این دو باشگاه اثرگذاری بسیار مهمی داشته‌اند. به همین دلیل هواداری علنی شما شائبه تعارض منافع به وجود می‌آورد و این برخلاف اصول حکمرانی سالم است».

در توئیتر نیز کاربری به نام Amir Alizadeh در همین راستا با استناد به اینکه هواداری لزوماً برای مسئولان ایراد نیست اما آذری جهرمی به دلیل روابط وزارتخانه متبوعش با حامیان مالی باشگاه‌ها نباید به چنین اقدامی دست زند، نوشت:

«طرفداری و گُری وزیر و نماینده ایرادی نداره؛ اما در مورد *@azarijahromi* داستان متفاوته. او وزیر دولتی که مالک پرسپولیس و استقلاله. بعد وزارتخانه او با اپراتورها و سرویس‌های پیامکی حامی مالی هر دو باشگاه و وقتی جانب‌داری کنه شائبه تعارض منافع پیش میاد. این خلاف اصول حکمرانی خوبه».

چه در اظهارات کانال‌های هوادار استقلال و چه کاربران در توئیتر، مشخص نشد که چگونه طرفداری از یک تیم فوتبال، لزوماً می‌تواند نشان‌دهنده یا عامل تعارض منافع باشد، چنانچه ارتباط دادن حامی مالی هر دو باشگاه به وزارت ارتباطات نیز خالی از ایراد نبوده و بیانگر ناآگاهی آن‌ها از سازوکار وزارت ارتباطات است. این امر نشان می‌دهد که ترویج ادبیات تعارض منافع نیازمند دقت نظر و شفافیت بیش‌تر است تا هنگامی که هر مسئولی هر اقدامی انجام داد به اشتباه متهم به تعارض منافع نشود.



خبرنامه هفتگی مدیریت تعارض منافع

مجموعه مطالعه و پایش تعارض منافع در ایران - ۴۵

شماره چهل پنجم - ۲۵ تا ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۰

دبیر خبرنامه: سمانه سهرابی

مجری: مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاهی

شماره واتساپ خبرنامه: ۰۹۰۲۰۴۳۲۹۹۵

